

چرا نماز می خوانیم؟

مؤلف:

عبدالرؤف الحناوی

چرا نماز می خوانم؟	عنوان کتاب:
عبدالرؤف الحناوی	مؤلف:
اسحاق دبییری رحمه الله	مترجم:
عقاید کلام - مجموعه عقاید اسلامی	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری	تاریخ انتشار:
www.aqeedeh.com کتابخانه عقیده	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخش مهربان

دوستش در بین سخنانش به او گفت:

نگاه تند و تیزی داری. آیا دیدن این دو مرد که دوش به دوش هم می‌روند و چنان هم آوا شده‌اند که گویی یکی از آن‌ها دوست دارد هر آنچه در دلش است برای دیگری بیرون بریزد و آن یکی هم آرزو می‌کند روحش در دستانش بود تا نثار رفیقش نماید مایه‌ی شگفتی نیست؟

- مگر این دو نفر کیستند؟

- یک پدر و پسر. پدری مهربان و پسری قدرشناس، آیا رابطه‌ی بین آن‌ها برایت شادی‌آور نیست؟

- آری به خدا، مگر پیوندی ارزشمندتر از همدلی و همرنگی که گواه قدردانی و شکرگزاریست وجود دارد؟ مگر انسان در این جهان بدون فامیل و همسایه و همنشین و دوست می‌تواند زندگی کند؟ جز اینکه او اجتماعی آفریده شده است؟

- احساس می‌کنم به ارتباط مردم براساس دلسوزی و احترام متقابل و قبول توانایی‌های یکدیگر باور محکمی داری.

- آری.

- اگر شخصی ارزش‌ها را حفظ نکرد و منکر نیکی‌ها شد؟

- مگر هرکس اندک حیا و مروتی داشته باشد چنین کاری می‌کند؟

- آری، تو.

خشم وجودش را فرا گرفت و خواست به او حمله‌ور شود ولی به خود آمد و گفت: چرا؟

- چون تو ارزش خوبی‌ها و بخشش‌های خداوند را نمی‌دانی!
- چطور؟

- مگر خداوند بزرگوار و بخشنده نیست؟
- آری.

- مگر سزاوار سپاسگزاری و قدردانی نیست؟
- آری.

- شکر از او باید چگونه باشد؟
اندکی تأمل کرد و به فکر فرو رفت ولی به نتیجه‌ای نرسید.
- نمی‌دانم!

خجالت زده سرش را پایین انداخت و گفت:
مرا راهنمایی کن تا شکرگزار نعمت‌هایش باشم.

- از دو راه می‌توان قدردانی و سپاسگزاری خود را نشان داد:
۱- از ته دل و اعماق وجودت به لطف و کرم خداوند اعتراف نمایی، نه تنها با زیانت بلکه با بر زمین نهادن پیشانی و خوار کردن خود در برابر او.

۲- پاسداری از آن همه بخشش و عطا، و به کار بستن آن‌ها در راه صحیح طوریکه موجب رضایت خداوند باشد.

- گفته‌هایت راست و دلنشین است، من در حضور تو با خداوند پیمان می‌بندم که تا زنده‌ام نماز را ترک نکنم. اما دوست گرانقدری دارم که او هم مثل من است آیا حاضری برایش نامه‌ای بنویسی تا این نصایح به گوش او هم برسد؟ شاید راهنمایی تو در او اثر گذارد و با

انجام نماز رابطه‌اش با خداوند برقرار شود. ارزش این کار از هر چیزی بیشتر است.

- به روی دیده با عشق و احترام فراوان، و نوشت:
دوست گرانقدرم
سلام عليك

سخن زیبایی شنیدم دوست دارم آن را به صورت جملاتی برای ت بر روی کاغذ بنویسم و امیدوارم که همان اثری که بر من گذاشت در تو نیز داشته باشد.

در این زمانه عده‌ی زیادی نماز را ترک کرده‌اند و انجام آن را بیهوده و طاقت‌فرسا می‌دانند، اگر به آنان توصیه‌ی نمایی بهانه‌جویی می‌کنند که کارهای مهمتری داریم. بعضی هم عذر می‌آورند که لباس‌شان تمییز و مناسب نماز نیست و اگر به منزل برگشتیم آن را عوض کرده و نماز می‌خوانیم. اما در واقع دروغ می‌گویند! گروهی هم اعتراف به گناه کرده و اظهار می‌کنند، خداوند بزرگ و مهربان است. در این بین هم عده‌ای بی‌ادب و هوی‌پرست کفران نعمت کرده و نماز و نمازگزاران را مسخره می‌کنند اما باز هم خود را مسلمان می‌نامند، و اگر به سوی خدا دعوت شوند می‌گویند: شنیدیم و عمل نمی‌کنیم!

﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾﴾ [المدثر: ٤٩ - ٥١].

«چرا باید ایشان از قرآن رویگردان شوند؟ (٤٩) انگار آنان گورخران رمنده‌ای هستند (٥٠) گورخرانی که از شیر گریخته و رمیده باشند (٥١)». ای برادر بیا به درمان دیدگاه این گونه افراد بپردازیم و دلایلی که باعث ترک نماز در این اشخاص می‌شود بررسی نماییم.

آیا نماز خسارتی است که انسان باید آن را بپردازد همچنانکه به اجبار باید زیر بار مالیات ناعادلانه برود؟ آیا نماز سبب اتلاف وقت است و انسان وقت اضافی ندارد تا آن را تلف نماید؟

آیا نماز قانونی ناخواسته است که انسان محکوم به پذیرش آن باشد، همانطور که در حکومت‌های دیکتاتوری ناچار است بعضی قوانین سیاسی را بپذیرد؟

آیا نماز مانع آزادی کامل انسان بوده و در تقابل با آن می‌باشد؟
آیا نماز حکمی مباح دارد و انسان مختار به ترک یا انجام آن است و هیچ پاداش و تنبیهی در پی ندارد؟

آیا خداوند نیازمند نماز ماست؟ و بهره‌ی نماز برای انسان چیست؟ و اگر ترک شود چه زبانی دارد؟ و آیا...؟ و چرا...؟

سؤال‌های زیادی در ذهن ایجاد می‌شود و نفس و شیطان به آن‌ها تمایل دارند و اگر پاسخ درستی برایشان نباشد انسان مغلوب شده و مرتکب گناهان خواهد شد و شیطان برای فریب بیشتر ظاهرشان را می‌آراید. و ناگاه اندیشه‌ی فاسد وارد ذهن شده و فرد به سوی جدال بی‌حاصل سوق داده می‌شود و بالاخره آرزوهای دور و دراز او را به آتشی دردناک می‌کشاند و حتی خودش هم متوجه نیست. اما اگر پاسخ درستی به آن‌ها داده شود و انسان با درایت و تدبیر گره‌ها را باز کند آن پرسش‌ها رنگ باخته و ناپدید می‌شوند.

و الآن شروع کرده و به تمام پرسش‌های ممکن چنان پاسخ روشنی دهیم که جای تردید برای هیچکس جز نافرمانان ستمگر باقی نماند.

نخست:

نه، دوست عزیز نماز نه خسارتی است که به ناچار تحمّل شود و نه مالیاتی که مجبور به پرداخت آن باشیم بلکه امانتی است که روزی پنج بار

باید سراغش را گرفت و این نشانه‌ی وفاداری و درستکاری و صفای دل در آدای حقوق است و انجام وظیفه در آن موجب بهترین پاداش است. بله نماز نه مالیات و ضرر و زیان بلکه پذیرش حقیقت و سپاسگزاری در مقابل خوبی و گواهی بر پاکی درون همراه با فرمانبرداری بزرگان و اجرای دستوراتشان و تصویر عشق به خداوند و هماهنگی با نظم در خلقت اوست. مگر نه اینکه همه‌ی انسان‌ها اشیاء و افرادی را که بالاتر از خود تصور می‌کنند بزرگ شمرده و در گرفتاری‌ها و مشکلات از آن‌ها کمک و یاری می‌خواهند و حتی در روزهای مشخصی بر ایشان جشن گرفته و عزیزشان می‌دارند و گاه علامت و رمزی از آن‌ها ساخته‌اند تا دچار فراموشی و غفلت نشوند!

چرا مسیحیان عیسی علیه السلام را خدا تصوّر می‌کنند؟ و صلیب را بر بام کلیساها نصب کرده و به گردن می‌آویزند؟ و در کلیسا دعا می‌خوانند؟ چرا یهود عزیر علیه السلام را خدا تصوّر می‌کنند؟ و گرد مقبره‌ای جمع شده و با روشن کردن شمع تورات می‌خوانند و دعا می‌کنند؟ و دیندارانشان عرق چین بر سر می‌گذارند و از زمان اشغال فلسطین ستاره را به عنوان رمزی به کار می‌برند؟

چرا زرتشتیان آتش، هندوها گاو و میمون و گروهی از باطنیه شیطان را پرستش می‌کنند؟

همه‌ی این‌ها خدایانی جز الله را بندگی کرده و مقدّس می‌پندارند و به سوی او تقرّب جسته و نیایش می‌کنند و افکارشان پوچ و بی‌ارزش است چون خدایان‌شان صاحب هیچ سود و زبانی نیستند.

اما تو به نماز این گمراهان اعتراضی نداری ولی نماز مرا با آن همه ارزش و فایده نمی‌پذیری؟

این‌ها با آن همه بندگی و پرستش متفاوت چه سودی می‌برند؟ و خدایان‌شان کدام نیازشان را برآورده کرده‌اند؟ آیا به ندهای‌شان پاسخ می‌دهند؟ آیا کلام‌شان را می‌شنوند؟ آیا به صلاح و فسادشان آگاهند؟ و یا به آنان روزی می‌دهند؟ آیا قادر به زنده کردن و شفا دادنشان هستند؟ آیا زیبایی را از آن‌ها دور می‌کنند و یا بارانی برایشان می‌بارانند تا به کشت بپردازند؟

نه، نه هرگز چنین کاری نمی‌کنند اما باز هم پرستش می‌شوند. گمراهان در ته دل به پاکی و بزرگی آن‌ها اعتراف کرده و با نمازشان این حقیقت را ثابت می‌کنند.

دوست عزیز اگر شخصی به تو یک تگه شیرینی بدهد و یا در حمل وسایلی کمکت نماید و یا آدرسی را به تو نشان دهد و یا اتومبیلت را هل دهد و یا چیزی را که از دستت افتاده برایت بردارد آیا از او تشکر نمی‌کنی و در قلبت از او خشنود نیستی و یا آرزو نمی‌کنی روزی خوبی او را به بهترین شکل ممکن پاسخ دهی ... بله.

من هم مثل تو انسان هستم خوبی را پاس می‌دارم و به نیکوکاری احترام می‌گذارم بزرگی را می‌ستایم و قدردان لطف و بخشش، هر چقدر مردانگی در حقم بیشتر باشد قدر دانیم از آن زیادتر است. و آیا بزرگوarter و بخشنده‌تر از خداوند کسی هست؟ خدایی که به من عقل و حواس داده و روزی فراوان بخشیده و تندرستی و سلامتی عطا کرده و به آئین راست رهنمون فرموده و فرزند و خانواده عنایت داشته و در سرزمینی پاک و میان دوستان محترم و همسایگان خوب جای داده است.

نه ... در تمام هستی هیچ کس در نیکی به من همطراز خداوند نیست. آیا قدردان این همه کرم و لطف او نباشم حال آنکه در مقابل کمترین خوبی دیگران سپاس و تشکر می‌کنم؟ تردیدی نیست که تو هم با من

موافقی و در این راه تشویق می کنی و حتی اگر من کوتاهی نمایم تو وادارم خواهی کرد، چون تو نمی خواهی که من نسبت به خوبی دیگران بی تفاوت و ناسپاس باشم.

قدردانی همیشه برابر با نیکی و منزلت شخص نیکوکار است پس تشکر من از شخصی که یک تگه شیرینی به من داده برابر فردی نیست که یک جعبه شیرینی بخشیده است و احترام من به کودکی که مدادم را از زمین بر می دارد همچون احترام به شخصیت بزرگی که همان کار را برایم می کند نمی باشد. و خداوند دوست دارد که من به عنوان تشکر و قدردانی پیشانی بر زمین نهم و این نشان بزرگی و عظمت او در فرمانروایی و تسلیم بودن من در مقابل آن همه خوبی است.

مردم در برابر مجسمه های سرکشان که هیچ حُسنی ندارند و حتی باعث گمراهی و بدبختی آنان هستند سر فرود می آورند و عده ی زیادی هم در برابر حاکمان ظالم به نشان احترام خم می شوند حال آنکه آنان بدترین آفریده های خدا هستند پس من چرا در برابر خداوند سر فرود نیاورم، او که آفریدگار هستی و پروردگار آسمان ها و زمین است؟ نفع و زیان در دست اوست می تواند عطا کند یا منع نماید، زندگی دهد یا بمیراند و ریز و درشت کردار را حسابرسی کند.

دوم:

نماز باعث اتلاف وقت نیست. انسان وقتیکه از هیاهوی کار و داد و بیداد مراجعه کنندگان فارغ می شود و از خستگی خرید و فروش و خُرده گیری و چانه زنی و تعلیم و تعلّم و درخواست های متفاوت خود را کنار می کشد و به آرامی مقابل خداوند می ایستد سعی دارد جسم و روحش را آرامشی دهد و خشمش را فرو نشاند و هوی و هوس را به بند کشیده و اندک زمانی با معشوقش نجوا نماید.

و الْحَبِّ أَعْظَمَ مَا يَكُونُ إِذَا انْفَرَدْتَ بِمَنْ تَحِبُّ
 در اینجا از او درخواست کمک و یاری می کند و می خواهد خداوند حس نیکوکاری و بردباری را در او تقویت نماید تا پشتکار بیشتری داشته باشد و اگر با ترشروی و گفتار نیش دار و رفتار زشتش یکی از بندگان خدا را آزرده طلب بخشش و آرمزش می نماید و این لحظات فرصتی برای اندوختن ذخیره‌ی معنوی و تسکین محرکات درونی است. و پیامبر ﷺ هرگاه دچار مشکل می شد به نماز پناه می برد و بعد از نبرد سخت و جانفرسا با دشمنان می فرمود: «یا بلال أرحنا بالصلاة» یعنی بانگ نماز سرده تا با خواندن آن از خستگی و گرفتاری های زندگی رهایی یابیم.

انسان موجودی ضعیف و دارای انرژی محدود است نمی تواند همیشه کار کند بلکه نیازمند آرامش و آسایش است و جز با نماز و استراحت به این هدف نمی رسد به همین خاطر خداوند شب و خواب را برای تسکین او قرار داده است. مگر چه مقدار وقت صرف نماز می شود؟ هر چند با تأنی خوانده شود به ربع ساعت نمی رسد آیا نمی توانی چند دقیق از روز را در بین فعالیت های نماز اختصاص دهی در حالیکه زمان زیادی را به بیهودگی و بی خوابی می گذرانی؟

سوم:

نماز فرمانی سیاسی از جانب حاکمی زورگو نیست تا مردمانش را به اختیار و یا اجبار به انجام آن وا دارد بلکه نماز همراهی با دینی است که انسان بدون اجبار و با اختیار تمام به آن گردن نهاده است.

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ [البقرة: ۲۵۶] «در قبول دین اجباری نیست» و یا قانونی سیاسی نیست که با تغییر شرایط عوض شده و تابع تمایلات حاکمان باشد و نه حکمی بشری که امروز طوری نوشته شده و فردا در ناملازمات

سیاسی تعدیل گردیده و در نهایت با تغییر شرایط به کلّ از میان رود و یا اجرائیش به دلیل تصویب نشدن به تأخیر افتد و یا اینکه نهایی شدن آن موکول به موافقت صاحبان اصلی قدرت باشد. بلکه نماز یکی از ارکان اسلام و حتی بعد از ایمان مهمترین رکن است.

پس ای مسلمان تا وقتیکه به اختیار و بدون زور به اسلام گردن نهاده‌ای باید احکام آن را به طور کامل انجام دهی. مگر جز اینست که در هر کشوری شهروندان ناچارند قوانین آن سامان را رعایت کنند و در صورت سرپیچی دو راه پیش پا دارند: یا مجبورند احترام گذاشته و اجرا نمایند و یا اینکه باید از تابعیت کشور خارج شوند و به دیار دیگری بروند.

باعث تحیر است چطور انسان از قراردادهای دنیوی می‌هراسد ولی از آفریننده‌ی آسمان و زمین هراسی ندارد؟ حال با من قضیه را به شکل دیگری دنبال کن. با قرمز شدن چراغ راهنما در خیابان ده‌ها و گاه صدها اتومبیل توقف می‌کنند و کسی جرأت حرکت ندارد و گاه انسان‌های مهمّی هم میان رانندگان هستند!

پس چرا انسان‌ها در مقابل نور قرمزی تسلیم‌اند ولی در برابر دستورات خداوند نافرمان شده و به گناه و حریم شکنی می‌پردازند؟ این نشانه‌ی هوشمندیست یا کوتاه‌فکری؟ تو خود به داوری بنشین.

چهارم:

نماز مانع بهره‌گیری از آزادی فردی نیست. همه‌ی انسان‌ها إذعان می‌کنند همچون حیوانات جنگل نیستند بلکه رها از هر قید و بندی آفریده شده و دارای آزادی اندیشه و بیان و کار هستند و این آزادی را تابع نظم عمومی و قانون می‌دانند چون اگر این التزام نباشد نظم اجتماع به هم ریخته و هیچ ملتی پایدار نخواهد ماند و در آن صورت زندگی و منافع همه‌ی افراد دچار خطر خواهد شد.

حتی هیپی‌ها (بریدگان از زندگی واقعی) که هر چه به کامشان شیرین باشد انجام می‌دهند و در خیابان‌ها چون سگ‌های ولگرد به سر می‌برند حق ندارند محل نظم عمومی شده و قانون شکنی کنند. و حتی دوستان حیوان‌شان در جنگل بر طبق قوانین خاص زندگی می‌کنند و اگر از زیست‌شناسی سؤال کنی گفته‌ی مرا تأیید خواهد کرد و شاید ساده‌ترین مثال حشرات باشند مثلاً یک زنبور عسل با دیگر زنبورهای کندو نهایت همکاری و هماهنگی را دارد و همکاری مورچه‌ها در حمل یک تکه غذا گاه چه دیدنی است.

و تو ای مسلمان در کارهای روزانه‌ات آزادی بخوری یا روزه باشی، بخوابی یا بیدار بمانی، سفر کرده و یا در خانه بمانی، خرید و فروش نمایی اما این آزادی در نظام خداوندی با حد و مرز شرعی معلوم و مشخص شده است.

و تو آزادانه می‌توانی از کار دست کشیده و به مسجد بروی و برای لحظاتی در آنجا به شادابی و انرژی دست یابی و سپس به کمک خداوند کار و تلاش را از سرگیری.

و تو آزادی تا خود را با نظام خداوند هماهنگ نمایی همان نظامی که همه‌ی اسباب و وسایل خوشبختی و شادمانی تو را در دنیا و آخرت فراهم کرده است.

و تو آزادی تا آزادگی خود را حفظ کنی و در برابر هیچ نیرویی در زمین تا وقتی که قدرت خداوند حامی و پشتیبان توست سر فرود نیاوری.

تو آزادی که هر چه می‌خواهی بگویی و هر چه دوست داری انجام دهی و هر آنچه برایت جذاب بود بنویسی و یا معامله‌نمایی اما به شرطی که از حد خود تجاوز نکنی چون در این صورت به حریم دیگران تجاوز خواهی کرد و این همان است که اسلام ممنوع کرده و قوانین بشری هم تو را از آن بر حذر داشته‌اند.

نماز امری مباح نیست که انجامش اختیاری بوده و هیچ پاداش و تنبیهی در پی نداشته باشد بلکه وظیفه‌ای حتمی و لازم است دارای زمان مشخص و آداب و برنامه‌ی خاص خود می‌باشد و تو حقّ نداری آن را زیاد و کم کرده و به جلو و عقب بیندازی بلکه چون لقمه‌ی غذا جایش دهان است نه گوش، و یا چون هوا از راه دهان یا بینی به ریه‌ها می‌رسد نه از راه پاشنه‌ی پا.

و اگر تو این حقّ را داری که درباره‌ی ضربان قلب و یا اندازه‌ی ریه‌هایت حرفی بزنی می‌توانی درباره‌ی نماز هم اظهار نظر نمایی.

اگر تو کارمندی نماز برایت همچون انجام وظیفه و اگر بازرگانی چنان خرید و فروش است. اگر کارت را به خوبی انجام دهی و وظیفه‌شناس باشی آخر ماه حقوقت را تمام و کمال دریافت خواهی کرد و یا به سود معاملات خواهی رسید ولی اگر از کارت بریدی و وظیفه‌ات را انجام ندادی به میزان غیبتت از حقوقت کسر خواهد شد و یا به مقدار سستی‌ات سودی را که آرزویت می‌کردی از دست خواهی داد.

چه بسیار امور مباحی که همچون واجبات انسان باید در موردشان حساب پس دهد. اگر تونیمه شب صدای رادیوات را تا آخرین حدّ بالا ببری و یا با صدای بلند آواز بخوانی همسایه‌ها ناراحت شده و سرزنشت می‌کنند و مأمور با کوبیدن در خانه‌ات هشدار می‌دهد که اگر صدای رادیو را کم نکنی یا صدایت را پایین نیاوری بازخواست خواهی شد. مگر گوش دادن به رادیو مباح نیست و تو حقّ نداری هر وقت و به هر شکل خواستی به آن گوش دهی پس چرا آزادی تو محدود شد؟

جواب: تو مجبوری تابع نظام به خصوصی باشی و حقّ نداری از آن تعدّی کنی. پس آیا کسانی هم که به فرمانروایی و حکمرانی خداوند باور دارند و به دین و شریعت او راضی هستند می‌توانند هر طور خواستند او را بندگی کنند و به دلخواه نیایش نمایند و یا مجبورند دستورات او را در این باره اجرا نمایند؟

ششم:

بله نماز یک نیاز ضروری و حیاتی است و انسان همچون آب و غذا به آن نیازمند می باشد. زیرا آب و غذا نگهدارنده‌ی جسم و ماده‌ی اساسی زندگی هستند، نماز هم باعث استحکام روح و ماده‌ی اصلی آرامش روان است. و اضطراب را از دل نمازگزار زدوده و به او پایداری می دهد تا در زندگی همچون نماز محکم و پایدار بایستد. و نماز عامل جدایی مؤمن از کافرست:

«بَيْنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ تَرْكُ الصَّلَاةِ».

مسلمانان ظاهری که به سادگی از دستورات الهی سرباز می زنند برای اسلام چه فایده‌ی دارند؟ مگر چون فرزندی ناخلف که جز نسبت هیچ شباهتی به خانواده اش ندارد نیستند؟ آیا از کسی که به اصلاح خود ناامید است می توان انتظار صلاح داشت؟

ما مسلمانان نمی خواهیم چون کفّ سطح دریا در شمارش میلیون ها ولی در عمل ده ها نفر باشیم. یک گلوله‌ی پُر از باروت که می توان با آن دشمنی را کشت از انبوهی پوکه‌ی خالی بهتر است.

آیا اگر خیمه‌ای ستون نداشته باشد با هزار میخ هم می توان آن را برافراشت؟ ستون اسلام هم نماز است و نیاز واقعی انسان می باشد چون اخلاق را شکوفا و رفتار را زینت می دهد و انسان را از گمراهی و تباهی بیرون می کشد و از زشتی و بدی باز می دارد. اگر نمازگزار باور داشته باشد نماز حاضر شدن مقابل پروردگارست چطور خود را به گناه می آلود. و این حضور جز با پاکی دل و نفس و اعضای بدن بدست نخواهد آمد.

چرا با نزول آیه‌ی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ

سُكْرَى﴾ [النساء: ۴۳].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حالی که مست هستید به نماز نایستید (۴۳)» اکثر مسلمانان از شراب‌خواری دست کشیدند؟ زیرا می‌دانستند با ارتکاب آن نمی‌توان به خداوند نزدیک شد. مگر نه اینکه مسلمانان روزی پنج بار به حضورش می‌شتابند؟

پس برای ملاقات خداوند باید شراب به کل کنار گذاشته شود. دوست عزیز نماز حالت دماسنجی را دارد که کرده‌های انسان را هر وقت یک بار می‌سنجد همانطور که پزشک حرارت بدن بیمار را گاه به گاه اندازه می‌گیرد.

اگر وضعش خوب باشد می‌گوید: به همین شکل پیش برو و مقاومت کن. و در غیر اینصورت می‌گوید: بر گرد و از نو شروع کن. هرگاه صدای الله اکبر اذان را شنید اندیشیده و می‌فهمد که خداوند از هر چیزیکه او مشغول به آن است بزرگتر است پس از دنیا بریده و به ندای خداوند پاسخ می‌دهد. مطمئن باش کسی که اهل نماز است احتمال خیر و صلاح در او بسیار است هرچند گناه و انحرافات هم داشته باشد. چون در نهایت روزی نمازش او را از این مسیر بازخواهد داشت و تلاوت قرآن به ناچار غفلتش را خواهد زدود و او را وادار به تدبّر در معانی آیات می‌کند و آنگاه قلبش تکان خورده و روحش بیدار می‌شود. ﴿أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۱۵﴾ [العنکبوت: ۴۵].

«مسلماً نماز (انسان را) از گناهان بزرگ و از کارهای ناپسند (در نظر شرع) باز می‌دارد(۴۵)».

ولی کسی که قرآن نمی‌خواند هیچ بهره‌ای بدست نمی‌آورد و در گمراهی و گناه غوطه‌ور خواهد ماند.

هفتم:

خداوند به نماز ما نیازی ندارد بلکه ما محتاج او هستیم، او بی نیاز از آفریده هاست و آن‌ها نیازمند اویند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ ﴿١٥﴾ إِنَّ يَسَاءَ
يُذْهِبُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٦﴾ وَمَا ذَلِكُ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾﴾ [فاطر: ۱۵-۱۷].

«ای مردم! شما (در هر چیز، محتاج و) نیازمند خدائید و خدا بی نیاز (از عبادت شماست) و ستوده است (۱۵) اگر بخواهد شما را از میان برمی دارد، و مردمان دیگری را جایگزین شما می سازد (۱۶) و این کار برای خدا مشکل و سنگین نیست (۱۷)».

و خداوند انسان‌ها را بدون لباس و ثروت و قدرت آفرید در حالیکه توان اندیشیدن نداشتند و میان سنگریزه و خرما فرقی قایل نبودند و بر دفع شرّ و کسب خیر هیچ توانی نداشتند. او به آنان سلامتی و هوش و ثروت بخشید و هر آنچه در آسمان‌ها وزمین بود در اختیارشان گذاشت و نعمت‌های آشکار و نهان را بر آنان تکمیل فرمود. پس با این همه بخشش شایسته است صاحب هستی و گنج‌های آسمان‌ها و زمین نیازمند نماز ما باشد؟

نه، بلکه نماز ما اعلام عشق و قدردانی از نعمت‌های اوست.

کسانی که در انجام نماز سستی می‌کنند همچون ما از نعمت‌های خداوند برخوردارند و گاهی بیشتر از ما هم به آنان بخشیده شده است در حالیکه ما به بزرگواری خداوند معترفیم ولی آنان ناسپاسی می‌کنند. مثل اینکه تولد خود را فراموش کرده‌اند روزی که هیچ چیز نداشتند. و از مرگ غافلند روزی که هر چه اندوخته‌اند برای بازماندگان جا می‌گذارند و باید در مقابلش حساب پس دهند. بی ادبی کرده و از بندگی خدا سرباز زدند ولی

الآن به دام افتاده‌اند. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰].

«کسانیکه متکبرانه از بندگی من سرباز زنند با خواری وارد جهنم خواهند شد».

ای بی نماز اگر به اسلام نیاز نداشتی چرا آن را پذیرفتی؟ و اگر به آن باور داری چرا نماز نمی خوانی؟

آیا از اینکه بگویند فلانی دیندار است و از خدا می ترسد خوش نمی آید؟ و آیا به اینکه بگویند گناهکار و دشمن خداست خرسندی؟
چطور فرمان رؤسایت را می پذیری ولی در مقابل خداوند عصیان می کنی؟
مگر رؤسایت نزد تو از خداوند بزرگتر و ارزشمندترند؟ خداوند بزرگوار و بلندمرتبه است.

حصین بن عبید به حالت سرزنش و توبیخ نزد پیامبر ﷺ آمد که چرا قریش را به چالش طلبیده و افکارشان را باطل می دانی و به خدایان شان توهین می کنی. پیامبر ﷺ هم با بیان دلیل محکمی غبار از اندیشه ی باطلش زدود چنانکه او با آن قلب سخت تر از سنگش تسلیم شده و ایمان آورد؛ فرمود: حصین چند خدا را می پرستی؟ پاسخ داد: بر زمین هفت و در آسمان یک. فرمود: اگر دچار مشکل شوی روی به کدامین خواهی کرد؟ پاسخ داد: به او که در آسمان است. فرمود: اگر ثروت را از دست دهی به کدامیک رو می کنی؟ پاسخ داد: باز به آنکه در آسمان است. فرمود: خواسته هایت را فقط از او می خواهی ولی برایش شریک قرار می دهی؟ حصین مسلمان شو تا سلامتی یابی.

و من هم به تو ای مسلمان که نماز را رها کرده و غافل از خدا و سرانجام تلخت هستی می گویم: نماز بخوان تا از عذاب دردناک خداوند سالم بمانی

چون شایسته نیست که خداوند را در گرفتاری بخوانی و در آسایش فراموش نمایی.

هشتم:

هر میوه‌ای که از نماز بچینی سراسر خیر است و برای تو و برادرانت بهره‌ی فراوان دارد مگر نمی‌خواهی خداوند گناہانت را ببامرزد؟

روزی پیامبر ﷺ به یارانش فرمود: آیا شما را به آنچه باعث بخشش گناہان و بالا بردن منزلت شماست راهنمای کنم؟ گفتند: آری ای رسول خدا ﷺ. فرمود: هنگام گرفتاری و مشکلات وضوی کامل گرفتن، به سوی مسجد قدم‌های بیشتری برداشتن و بعد از ادای نماز به انتظار نماز بعدی ماندن، این‌ها وسایل نجات هستند.

اگر خداوند گناہت را ببامرزد برادرانت شادمان می‌شوند چون هرچه برای خود دوست بدارند برای تو هم دوست خواهند داشت.

منافع نماز خیلی بیشتر از آنست که شمارشگری بتواند آن‌ها را بشمارد و یا قلمی آن را بنویسد، چون نماز دستوری الهی و بندگی در مقابل خداست.

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ﴾ [ابراہیم: ۳۱].

«بگو به بندگان مؤمن من، باید نماز را بگونه‌ی شایسته بخوانند (۳۱)»
خداوند چه زیبا آن را توصیف کرده است که:

﴿أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾ [العنکبوت: ۴۵].

«مسلماً نماز (انسان را) از گناہان بزرگ و کارهای ناپسند (در نظر شرع) باز می‌دارد. (۴۵)».

پس هر چند انسان نتواند همه‌ی منافع نماز را بر شمارد بهتر است تعدادی و لو کم از آن‌ها را ذکر نماید.

هرگاه فساد را از درونت زدودی و ریشه‌های آن را خشک کردی دینت خالص شده و روح و قلبت طراوات می‌یابد و اعضای بدنت سالم و کارت روبراه شده و پایدار می‌مانی. و هرگاه زشتی را نابود کردی و رشته‌های آن را از زندگی بریدی، جامعه و خانواده‌ات را به سلامت رسانده‌ای. نماز یاور تو در برابر مشکلات و گره‌گشای گرفتاری‌هاست: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۵] «و از شکیبائی و نماز یاری جوئید، و نماز سخت دشوار و گران است مگر برای فروتنان».

نماز آسایش دهنده‌ی جسم و فکر از مشغولیت‌های زندگی و خستگی‌های فعالیت است. و عامل مهم پیوند و ارتباط مسلمانان و برابری بین انسان‌هاست، که باعث حفظ نظام زندگی و رشد معنوی و پاکی دل از تمایلات نفسانی و کینه و نیرنگ است با داوم آن زبان و گوش و دیده کنترل می‌شوند و با پرورش روح و سرکوب نفس رعایت حقوق دیگران و انجام تکالیف در هر شرایطی آسانتر می‌شود.

بدون تردید نماز فواید زیادی دارد که هر چند آن‌ها را ندانیم اما در صورت اجرای دقیق و به موقع با حفظ شرایط رکوع و سجود دست یافتن به اهداف ممکن است.

مسلمانان صدر اسلام دستورات دینی را بدون توجه به حکمت و فلسفه‌ی آن‌ها انجام می‌دادند و به دنبال تفسیر و پرسش‌های بی‌مورد نبودند. اما ضعف نیروی ایمان در بین مسلمانان واعظان را بر آن داشت که برای راهنمایی و ایجاد انگیزه در مردم از تفکر و تعقل بهره گرفته و دلایل و حکمت‌های

دستورات اسلامی را استخراج نمایند و همچون سگه‌های رایج در دستان دینداران قرار دهند ولی باز هم نصیحت پذیران کم و شکرگزاران اندکند.

ای مسلمان اندرز من به تو اینست که نماز بخوان و بر انجام سروقت و دقیق آن همت گمار، چون هیچکس در برابر خداوند نمی‌تواند یاریت کند و یا گناهت را حمل نماید و خداوند هم بهانه‌هایت را نمی‌پذیرد. اگر دچار عذابش شوی رهایی نداری، نه ثروت و نه فرزند برایت سودی ندارد.

مقام و جوانی ماندگار نیستند و روزی از گذشته پشیمان می‌شوی که هیچ سودی ندارد. ناگهان مرگ به سراغت می‌آید در حالیکه تو از آن غافل بودی پس توشه‌ای برگیر و به خود بیندیش و از رفته‌گان عبرت آموز.

بدان نخستین چیزی که در قیامت از آن سؤال می‌کنند نماز است اگر به خوبی انجام شده بود از زکات و روزه و حج می‌پرسند و اگر ترک شده بود از نیکی‌های دیگر هر چند زکات داده و روزه گرفته و حج رفته باشی سؤالی نمی‌شود.

آگاه باش هرکس نماز را به عمد ترک نماید خداوند و پیامبر ﷺ از او بیزار می‌جویند.

بکوش از مسلمانان ظاهری نباشی که گاه اهل نماز و گاهی از آن دورند و نه از منافقان که هنگام ادای نماز تنبلی می‌کنند و نمازشان ریایی است و خیلی کم خدا را یاد می‌کنند.

مواظب باش شیطان این سخن را که بسیار بر زبان مسلمانان ظاهری جاریست در دهانت نگذارد که: پاکی به نماز خواندن نیست بلکه به صفای دل و راست بودن با مردم است. گمان می‌کنند اگر نماز را ترک نمایند مردم را آزرده نمی‌سازند! سوگند به خدا دروغ می‌گویند چون هم خدا و پیامبر ﷺ و هم اهل ایمان را می‌آزارند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ
عَذَابًا مُهِينًا ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ
أَحْتَمَلُوا بُهْتَنًا وَإِنَّمَا مُبِينًا ﴿٥٨﴾﴾ [الأحزاب: ٥٨].

«کسانی که خدا و پیغمبرش را آزار می‌رسانند، خداوند آنان را در دنیا و
آخرت نفرین می‌کند و عذاب خوارکننده‌ای برای ایشان تهیه می‌بیند (۵۷)
کسانی که مردان و زنان مؤمن را - بدون اینکه کاری کرده باشند و گناهی
داشته باشند - آزار می‌رسانند مرتکب دروغ زشتی و گناه آشکاری شده‌اند
(۵۸)».

چه اذیتی در حق خداوند از نافرمانی بدتر است؟ و چه آزاری برای
پیامبر ﷺ ناراحت کننده‌تر از ترک دستورش می‌باشد؟ و چه اذیتی برای اهل
ایمان شدیدتر از ناچیز شمردن دین و دوری از راه‌شان است؟
اگر کسانی را دیدی که با اینکه نمازگزارند کار زشت می‌کنند بدان که
هیچکس از لغزش معصوم نیست و گناه آنان ربطی به نمازشان ندارد و تو
مسئول اعمال و حسابرس آنان نیستی و مطمئن باش به زودی از گناهان
فاصله می‌گیرند. تو بهتر از ایشان باش و همچون الگو و نصیحتگر عمل کن.
چنان کسی باش که نمازش او را از بدی‌ها باز داشته نه چون کسی که
نمازش فقط از خدا دورترش کرده است.

نماز بخوان اگر هوشمندی، به خدا سوگند انسان باهوش نماز را ترک
نمی‌کند. همچون کسانی مباش که هوش و ذکاوت خود را در راه درست به
کار نمی‌گیرند بلکه از هوای نفس و شیطان پیروی می‌کنند.

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا
وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ
هُمْ أَصْلُ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿۱۷۹﴾ [الأعراف: ۱۷۹].

«آنان دل‌هایی دارند که بدانها نمی‌فهمند و چشم‌هایی دارند که بدانها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که بدانها نمی‌شنوند اینان همسان چهارپایانند و بلکه سرگشته‌ترند اینان واقعاً بی‌خبر هستند.

نماز بخوان اگر آزاده و شریفی، انسان‌های گمراه را الگو قرار مده و از زیادی هلاک شدگان غرّه مشو.

نماز بخوان اگر از کسانی هستی که زیبایی را پاس می‌دارند و شکرگزار خوبی‌هایند.

نماز بخوان اگر واقعاً مسلمانی و گفتار و کردارت همچون منافقان دو رنگ نیست.

نماز بخوان اگر خودت را دوست داری و می‌خواهی از عذاب دردناک رهایی یابی، و مواظب باش که بر اشتباهت لجاجت و اصرار نکنی تا باعث چیرگی شیطان شده و یاد خدا را فراموش نمایی چون سرانجامت تباهی و زیان است.

نماز بخوان اگر نسبت به پدر و مادرت وفاداری تا خداوند دعا و استغفارت را برای آن‌ها بپذیرد.

نماز بخوان اگر فرزندان را دوست داری تا الگویی خوب برای ایشان باشی، چطور آرزو داری تربیت اسلامی داشته باشند و خودت تابع و تسلیم دین نیستی؟ آیا دوست داری فردا آنان را در آتش عذاب ببینی؟

نماز بخوان اگر به همسرت وفاداری و می‌خواهی در خیر و سلامت بماند، اگر تو نماز نخوانی نمی‌توانی انتظار داشته باشی او نماز بخواند؟ آیا

اگر اونیکوکار و پرهیزگار باشد و تو درمانده و گناهکار، سربلند می شوی؟
چطور همسرت به وفاداری تو اطمینان خواهد کرد در صورتیکه تو به پدر و
مادر و فرزندان پایبند نباشی؟

نماز بخوان اگر وطنت را دوست داری چون هرکس برای دینش نفعی
نداشته باشد هرگز برای وطنش بهره‌ای نخواهد داشت، و چطور خداوند
وطن مردمانی را حفظ خواهد کرد که نعمت‌هایش را منکر باشند؟ مگر نه
اینکه یهود به این دلیل بر فلسطینیان غالب شدند چون نمازشان را ترک
کرده و آلوده‌ی گناه شده بودند؟

نماز بخوان اگر عاشق خدا هستی چون عاشق را جز مناجات معشوق
مسرور نمی‌کند پس نمازت را قسمتی از مناجاتت قرار بده.

نماز بخوان اگر از خدا ترس داری چون بی‌نمازان را به آتش و عذاب
وعده داده است و تو ای بیچاره نمی‌توانی حرارت خورشید را تحمل کنی پس
چطور تاب گرمای آتش را داری؟ آتش دنیا یک هفتادم آتش آخرت حرارت
دارد آتش آخرت سیاه و تاریک است و انسان را در آن پرت می‌کنند. عمق
آن هفتاد سال راه است.

دوست عزیز می‌خواهی در قیامت به تو گفته شود: تو نافرمانی چون
نمازگزار نبودی؟ آیا دوستی داری خداوند به فرشتگان تند خویش بفرماید:

﴿خُدُوهُ فَعُلُوهُ ﴿۳۰﴾ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوْهُ ﴿۳۱﴾ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ
ذِرَاعًا فَاسْلُكُوْهُ ﴿۳۲﴾﴾ [الحاقة: ۳۰ - ۳۲].

«او را بگیرد و به بند و زنجیرش کشید (۳۰) سپس او را به دوزخ
بیندازد (۳۱) سپس او را با زنجیری ببندد و بکشید که هفتاد ذراع درازا
دارد (۳۲)».

آیا با من موافقی که ترک نماز نافرمانی و گناهست و نباید ترک شود؟ آیا سند و پیمانی از جانب خداوند داری که تو را بیمارزد؟ مگر این سخن خداوند به پیامبرش ﷺ را نشنیدی که: ﴿قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنَّ عَصِيَّتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [الأنعام: ۱۵].

«بگو: من اگر نافرمانی پروردگار کنم از عذاب روز بزرگ (قیامت) می ترسم (۱۵)». آیا تو نزد خدا عزیزتری یا پیامبرش؟ اگر پیامبر ﷺ با ارزشتر است پس چطور او از خدا می ترسد ولی تو نمی ترسی؟ دوست عزیز اگر مأموری تو را تهدید کند دلت به لرزه می افتد، اگر حاکمی تهدیدت نماید چشمانت از ترس خواب نمی رود و اگر سلطان مملکت تهدیدت کند پشتت از ترس و اضطراب می شکند، پس اگر خداوند انتقام گیرنده و مسلط بر همه، تهدیدت نماید به کجا می روی و از چه کسی کمک می خواهی؟

آیا گریه و ناله‌ات در برابر آتش باعث نجات می شود؟ اگر نماز بخوانی در این دنیا برای آخرت چه توشه‌ای می اندوزی؟ و اگر نماز بخوانی چه زبانی خواهی دید؟ کدام سرانجام را دوست داری: کنار خوشبختان در بهشت یا بدبختان در آتش؟ نماز بخوان چون از خداوند بی نیاز نیستی. در خوشی یادش کن تا در گرفتاری به فریادت برسد.

نماز بخوان و همچون مسلمانی نباش که خود را به اسلام منتسب کرده و دعوت به آن می کند ولی اسلام از او دوری می نماید، و مواظب باش چون کلنگی در ویرانی و تباهی دین اسلام به کار گرفته نشوی بلکه همچون شاعر به سلامت بنواز:

أبي الاسلام لأب لي سواه إذا افتخروا بقرى أو تميم

نماز بخوان تا برای برادران مسلمانان همچون زرهی باشی. به تعدادشان بیفزا و بازوانشان را محکم کن و دشمنانشان را به زیر سلطه بیاور و از شمار منافقان کم نما.

نماز بخوان تا خداوند بخشنده خشنود شود و شیطان عصبانی گردد و مکر حيله گران باطل گردد.

نماز بخوان چون نماز نوریست که تاریکی گمراهی و باطل را از بین می برد و در دل تخم هدایت می کارد و تاریکی گورت را روشن می گرداند و در قیامت پیشانیات نورانی می شود.

نماز بخوان چون نماز بزرگترین عامل پیشگیری از گناهان و محکمترین زنجیر برای به بند کشیدن شیطان و شهوات است.

نماز بخوان چون حساب در پیش و حسابگر دقیق است و بدان که حیوانات در قیامت با مشاهدهی وحشتها و سختی هایی که برای انسان آماده شده می گویند: خدا را شکر که ما مثل شما نیستیم نه در آرزوی بهشتیم و نه از کیفر می ترسیم. و آنروز گناهکار آروز می کند کاش خاک بود.

و در آخر نماز بخوان ای برادر مسلمانم چون من هم نماز می خوانم و برایت آرزوی خوشبختی دارم و تا در اسلام برادریم هر آنچه برای خود می خواهم برای تو نیز خواهانم.

نماز بخوان برای اطاعت از فرمان خداوند که فرمود:

﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة:

۲۳۸].

«در انجام نمازها و نماز میانه (عصر) محافظت ورزید و فروتنانه برای

خدا بپا خیزید (۲۳۸)».

و بترس از اینکه در ردیف کافران محشور شوی! چون پیامبر ﷺ فرمود:
 «العهد الذي بيننا وبينهم الصلاة فمن تركها فقد كفر» (پیمان ما با آنان نماز
 است و هرکس آن را ترک نماید کافر شده است)
 و نماز بخوان چون سوگند به خدا که جز او معبود به حقی نیست من
 دلسوزانه نصیحتت می کنم، خداوند من و تو را از کسانی قرار دهد که
 گفته ها را به دقت گوش می دهند و بهترین آن ها را پیروی می نمایند.
 درود و سلام خداوند بر پیامبر و یاران و پیروانش و تمام ستایش
 مخصوص پروردگار جهانیان است.